



یکی مثل ما

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۲۵ ■ ۳ آذر ۱۴۰۱

نوجوان
۱۳۸۵



عطیه ضرابی

۳

بانوی طلایی

درباره دختری که برای آرزوهایش می‌دود

«سوت شروع

مثل صدای بلند بوق قطار وقت حرکت، مثل اولین گریه نوزادها هنگام به دنیا آمدن، مسابقات هم با صدایی مثل سوت شروع می‌شوند. آرزوها هم وقتی در دل‌ها کاشته می‌شوند یک سوتی در مغزمان پخش می‌شود که یعنی باید بلند شویم و برای‌شان بجنگیم. حالا چرا جنگ؟ مگر اتفاقی افتاده؟ باید بگوییم بله! قرار است کلی اتفاق بیفتد، قرار است به تنهایی موانع را پشت سر بگذاری و خم شوی و سنگ‌ها را از زیر پایت برداری. فکر نکنید من دارم آیه یأس می‌خوانم‌ها! نه، دارم برای مسیری که پیش‌روی‌تان نشسته آماده‌تان می‌کنم. نازنین فاطمه هم از همین مسیرها گذشت. جرقه علاقه‌اش در مدرسه و در دوره متوسطه خورده شد؛ از منطقه و استان و شهر گذشت و به منطقه کشوری رسید و بعد از سرک کشیدن به رشته تگواندو و پیدا شدن سروکله کرونا و یک استراحت کوتاه، دوباره ادامه داد و حالا دو سال است که به صورت جدی این رشته را زیر نظر مربی‌اش، استاد روغنی، ادامه می‌دهد.

«بازار صداقت

یکی دیگر از سوالات ثابت این صفحه، پرسیدن از وضعیت درس و مشق نوجوان هاست، چون ما نمی‌خواهیم قهرمانان مان‌تک بعدی را بیابند و یک جای کارشان بلند اما قبل از درس و مدرسه، پایبندی به ارزش‌های اخلاقی است که قهرمانان را پهلوان می‌کند. همین روزها داریم می‌بینیم قهرمانانی که روزی اشک چشم مردم را از شوق درمی‌آوردند و حالا... وقتی از نازنین فاطمه درباره اوضاع درسی‌اش می‌پرسیم، صادقانه جواب می‌دهد و می‌گوید که بله! چون بخش زیادی از تمریناتش در زمان کرونا بوده و به راحتی با تلفنش سر تمرین می‌رفته و وقت بیشتری برای تلاش داشته، بعد از حضوری شدن مدارس، مجبور بوده تا بعد از ظهر در مدرسه باشد و بعد با همان خستگی برای تمرین خودش را آماده کند. از این جهت خودش می‌گوید که وضعیت درسی‌اش کمی تا قسمتی آسیب دیده است. البته که می‌گوید مدرسه‌اش تا الان خیلی هم هوایش را داشته است اما نوبت به بحث خانواده که

می‌رسد حق زیادی را به آنها می‌دهد و خانواده دوستی از کلماتش فوران می‌کند. از نگرانی‌های پدر و مادرش می‌گوید و به وقت کمی که می‌تواند در کنارشان باشد اشاره می‌کند. خانم‌ها فصیحی و توکلی و نقی زاده را جزو بااخلاق‌ترین هم‌رشته‌هایش می‌داند و به وجود آنها افتخار می‌کند. عیدیان پنج سال بعد خودش را در حال تمرین و درس خواندن در رشته تربیت بدنی یا زبان و همچنان در تلاش تصور می‌کند.

«مانع دوستی

اصلا این دختر عاشق موانع است! من الکی الکی داشتم از موانع می‌ترساندمش. وقتی از او می‌پرسم در کدام یک از ورزش‌های دوومیدانی قوی‌تر است؟ جواب می‌دهد: «۴۰۰ متر با مانع و ۵۰۰ متر». البته که خودش هم می‌گوید هنوز باید برای رویاهایش بدود و تلاش‌های زیادی را از خودش نشان بدهد و هنوز خود را اول راه می‌داند. راهی که پراز مانع و چالش است و او هم خوراکش پرش از این هاست! لایه‌لای سوالاتم، ناخنکی به سؤال همیشه یکی مثل ما می‌زنم و می‌پرسم که آرزویت چیست؟ واز آنجا که آرزوی ورزشکارها مشخص و واضح و مبرهن است، یک کلمه در ذهن مان نقش می‌بندد: «المپیک». این معلوم‌الجواب‌ترین سوالی است که می‌توانید از ورزشکارهای بلند پرواز بپرسید و از زرنگی‌تان در جواب دادن کیف کنید. البته فکر نکنید ورزشکارها فقط ورزش می‌کنند و حتی در خواب در حال پریدن هستند؛ نه. نازنین فاطمه عیدیان دوست دارد وقتش را با خانواده‌اش بگذراند، فیلم ببیند و کتاب بخواند و مثل این‌که علاقه زیادی هم به موسیقی دارد.

«دیوار افتخارات

اگر بخواهم به صورت تیتروار افتخاراتش را بگویم می‌شود این‌ها: رتبه اول نوجوانان و جوانان ۴۰۰ متر با مانع در ایران، رتبه دوم بزرگسالان ۴۰۰ متر و ۴۰۰ متر با مانع، رکورد دار با مانع نوجوانان ایران، رکورد دار باشگاهی ۴۰۰ متر و اولین بانوی مدال آور طلایی بانوان ایران و آسیا. از همه این آمار و ارقام و اعداد که بگذریم، به افتخارات واقعی او می‌رسیم. افتخاراتی که خیلی برایش لذتبخش است و به امید آنها تلاش می‌کند. به امید لبخند مردمش، خانواده‌اش و مربیان‌ش. به امید خوشحال کردن آدم‌هایی که دغدغه ایران و ایرانی را دارند و نمی‌خواهند این گریه سرافراز، کوچک و سرافکنده شود. نازنین فاطمه عیدیان قله موفقیتش را آنجایی می‌بیند که به عنوان یک ایرانی وارد مسابقات المپیک شود و به نمایندگی از همه ما که این روزها اسم ایرانی بودن، شوق و ذوق سرنوشت فوتبال‌مان را به جان مان انداخته، روزی با پرچم سه‌رنگ ایران و آن... کبرهای دورچینش، دور زمین‌ی که برای دویدن است بدود، با پرچمی روی دوشش که هزار حرف دارد، حرف‌هایی که به زبان و به قلم در نمی‌آیند و باید برای‌شان دوید، مثل نازنین فاطمه، مثل نازنین فاطمه‌هایی که دخترانه و عاشقانه می‌دوند تا برسند، برای ثابت کردن به همه آنها‌یی که روزی در گوش مان خوانده بودند و هنوز می‌خوانند که ما نمی‌توانیم! می‌دویم و می‌رسیم و نشان می‌دهیم که توانستن، ارثیه ماست از پدران مان! به امید روزی که برای همیشه پرچم ایران، روی دوش ورزشکاران مان ثابت بماند و در باد برقصد و ماکیف کنیم. همه ما ایرانی‌هایی که زیر شمشیر غمش رقص کنان خواهیم رفت!



پروانه اشتغال به کار مهندسی به شماره ۲۰۰۴۰۰۰۰۰۹۳۰ از وزارت راه و شهرسازی محل صدور پروانه اصفهان متعلق به حمید خانی به شماره ملی ۵۰۳۹۷۴۴۶۶۸ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب بهمن ولدخان فرزند عباس به شماره شناسنامه ۷۰۲۴ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته مهندسی مواد-متالورژی صنعتی صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی ساوه مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به نشانی ساوه بلوار شهید بهشتی، بلوار شهید فهمیده، کیلومتر ۴ جاده نورعلی‌بیگ، شهرک دانشگاهی خاتم الانبیا ارسال نماید.

خودرو پژو پارس رنگ سفید به شماره شاسی NAAN01CE1MK166324 و شماره موتور 124K1656821 و شماره پلاک ۳۵ و ۲۶۳ ایران ۳۸ به نام نیما نخود کار سرقت شده و فاقد اعتبار می‌باشد. در صورت مشاهده با شماره ۰۹۲۰۷۲۰۷۸۹۶ تماس حاصل شود.

گواهینامه موقت فارغ التحصیلی اینجانب معصومه نصیری فرزند علیرضا به شماره شناسنامه ۶۰۸ و شماره ملی ۱۳۱۹۴۴۱۴۰۶ صادره از گلیا یگان در مقطع کارشناسی رشته زیست شناسی علوم جانوری صادره از واحد دانشگاهی زابل با شماره ۹۰۵۲۳/آک تاریخ ۸۵/۰۸/۰۶ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد.